

محتوای جامعه‌شناختی گلستان سعدی^۱

دکتر امید علی احمدی
دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان

چکیده

گلستان سعدی به عنوان اثری که از جمله آثار موفق جهان و ایران قرار دارد، می‌تواند نمونه‌ای عالی و مهم در تاریخ ادبیات ایران به شمار آید که در صورت تحلیل جامعه‌شناختی آن، قادر خواهیم بود ضمن ورود روشمند به تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی ایران، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، امکان درک و فهم جامعه‌شناختی دوره‌ای از تاریخ بخرنج و مهم ایران و توصیفی جامعه‌شناختی از وضع اجتماعی و فرهنگی آن عصر را فراهم آوریم. در این راه امکان درک و توصیف نهادهای مهم اجتماعی در قرن هفتم از جمله نهاد سیاست، حکومت، خانواده، اقتصاد، دین و آموزش و پرورش و همچنین اطلاعاتی در خصوص نقش‌ها و هنجاری اجتماعی در متن نهادهای اجتماعی به دست می‌آید که به همراه سایر اطلاعات موجود در گلستان سعدی می‌تواند تصویری نسبتاً کامل از یک جامعه ارایه نماید. در این مقاله کوشیده شده است تا از این منظر گلستان مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه: گلستان، سعدی، جامعه‌شناختی.

مقدمه

آثار ادبی و هنری، خصوصاً آن دسته از آثار که در زمره آثار موفق ادب و هنر قرار دارند و همچنین نویسندگان موفق را باید محصولی اجتماعی تلقی کرد. عمده‌ترین دلیلی که برای این ادعا می‌توان ارایه نمود، عبارت از این است که آثار مؤثر ادبی در زمان، مکان و شبکه‌های اجتماعی (Social Networks) و نظام‌های اجتماعی و نهادهای خاص پدید می‌آیند و دیگر هرگز دوباره تولید نمی‌شوند؛ چرا که آن شرایط، شرایطی منحصر به فردند که هیچ‌گاه و به تمامی قابل تکرار نیستند.

برای دانستن آن که یک اثر یا مؤثر چرا و چگونه به وجود آمده است، لازم است طرحی موردشناختی (Case Study) درانداخته شود تا با نگاهی تام‌نگر (Totality) و با قرار دادن اثر مؤثر در متن خود، چه از نظر اجتماعی و چه از نظر تاریخی، پیوندهای عمیق و ساختاری (Structural) پدیده ادبی را با متن آن، اعم از خصایص فردی، خانوادگی، طبقاتی، شبکه مناسبات اجتماعی و فضای فرهنگی، مشخص و زمینه‌تخلیل جامعه‌شناختی اثر را فراهم شود.

گلستان سعدی به عنوان اثری که از جمله آثار موفق جهان و ایران قرار دارد، می‌تواند نمونه‌ای عالی و مهم در تاریخ ادبیات ایران به شمار آید که در صورت تحلیل جامعه‌شناختی آن، قادر خواهیم بود ضمن ورود روشمند به تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی ایران، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، امکان درک و فهم جامعه‌شناختی دوره‌ای از تاریخ بغرنج و مهم ایران و توصیفی جامعه‌شناختی از وضع اجتماعی و فرهنگی آن عصر را فراهم آوریم. در این راه امکان درک و توصیف نهادهای مهم اجتماعی در قرن هفتم از جمله نهاد سیاست، حکومت، خانواده، اقتصاد، دین و آموزش و پرورش و همچنین اطلاعاتی در خصوص نقش‌ها و هنجاری اجتماعی در متن نهادهای اجتماعی به دست می‌آید که به همراه سایر اطلاعات موجود در گلستان سعدی می‌تواند تصویری نسبتاً کامل از یک جامعه ارایه نماید. از یک سو گلستان سعدی از نظر فراوانی و تنوع

اطلاعات اجتماعی اثری بی‌بدیل در ادب فارسی است، چنان‌که شاید بتوان هر اثری دیگری را با معیار این اثر گرانقدر مقایسه نمود و ارزش و اهمیت جامعه‌شناختی آن را سنجید. از سوی دیگر جهانی بودن و فرا زمانی بودن این اثر، می‌تواند تصویری از جامعه آرمانی (Utopia) و در عین حال فهرستی از عناصر اساسی حیات اجتماعی، روانشناسی اجتماعی و خصایص روانشناختی به دست دهد. با وجود اهمیتی که گلستان سعدی از نظر جامعه‌شناسی تاریخی ایران دارد، تاکنون از این نظر کمتر به صورت کامل مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه تعداد آثاری که خصوصاً در سال‌های اخیر با موضوع سعدی و گلستان و بوستان انتشار یافته یا در سمینارها ارایه شده است، کم نیست، اما به جرأت می‌توان گفت هیچ یک از این آثار به طبقه‌بندی مضامین اجتماعی و مطالعه علمی و روشمند گلستان نپرداخته‌اند.

در این نوشتار، مبنا قرار دادن برخی نظریه‌های جامعه‌شناختی از جمله نظریه ساختی‌کارکردی، طرح طبقه‌بندی نهاد در قالب نظام نهادین، کنش‌های متقابل الگودار و طبقه‌بندی عرصه‌های حیات اجتماعی، ضمن طبقه‌بندی مضامین، به مطالعه کمی، عینی و نظام‌دار محتوای آشکار گلستان سعدی خواهیم پرداخت. در کنار این مطالعه، پیدایش گلستان سعدی به عنوان یک واقعه یا پدیده تاریخی در مطالعه موردی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پرسش آغازین این مقاله به قرار زیر است: محتوا و مضامین جامعه‌شناختی گلستان سعدی کدامند و چگونه می‌توان آنها را طبقه‌بندی نمود؟

اهداف و سؤالات اساسی

هدف از انجام تحقیق این است که با نگاهی جامعه‌شناختی به گلستان چند فایده حاصل شود:

الف. مضامین جامعه‌شناختی گلستان با در نظر گرفتن طرح یا طرح‌های نظری طبقه‌بندی شوند.

ب. با در نظر گرفتن هر واحد مضمونی (گفتار) به عنوان یک واحد بررسی، موضوع اصلی حکایات گلستان سعدی مشخص شود.

پ. تعیین شود در حکایات سعدی بیشتر به کدام نهادهای اجتماعی (سیاست و حکومت، خانواده، آموزش و پرورش، دین و اقتصاد) توجه شده است؟
ت. از نظر جامعه‌شناسی ادبیات مشخص شود که علل توفیق گلستان سعدی کدامند؟

پ. گلستان سعدی در اندیشه صاحب‌نظران

در توصیف گلستان تاکنون بسیار گفته‌اند و هر یک از اهل نظر به وجهی از وجوه متفاوت و گوناگون گلستان سعدی نظر کرده‌اند و با بیانی متفاوت، سعی در تمام کردن حق گلستان و سعدی داشته‌اند. در این بند به شیوه‌ای دیگر قصد داریم آن‌چه را همگان (در حد نوشته‌های در دسترس) درباره گلستان و سعدی گفته‌اند، به صورت یک جا بیاوریم تا این تنوع از یک سو و اهمیت گلستان و سعدی از سوی دیگر روشن شود. بر این اساس به منظور کوتاه کردن بحث و در عین حال رجوع به آرای صاحب‌نظران، در زیر با ذکر سند، اقوال صاحب‌نظران گوناگون ایرانی و خارجی را می‌آوریم.

۱. جاوید کردن نام ایران.^۲
۲. پیشتازی در سخن گفتن از آزادی و عدالت. (نراقی، ۱۳۸۷: ۲۲۵).
۳. تجدد در سبک و محتوا. (همان).
۴. توجه به کرامت آدمی. (همان).
۵. تأثیر پذیری از سایر فرهنگ‌ها. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۲).
۶. توجه به مصلحت اجتماعی. (مسکوب، ۱۳۷۳: ۴۸).
۷. زبان فصیح، بیان امثال، بذله‌گویی، توجه به فرهنگ ایران. (حاکمی، ۱۳۷۶: ۲۱۴).
۸. سادگی و روشنی بیان. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۲).
۹. منادی اخوت انسانی و مبشر عدالت. (همان).
۱۰. تناسب با حال عوام و عموم مردم. (ستاری، ۱۳۸۳: ۲۵۱).
۱۱. مخاطب محوری، اخلاق‌گرایی، حساسیت به مسایل اجتماعی و استفاده از تمثیل. (صیادکوه، ۱۳۸۴: ۱۰۹-۱۱۰).

۱۲. همراه کردن داروی تلخ نصیحت با شهد ظرافت. (داوری، ۱۳۶۶: ۲۰).
۱۳. انگیزه بشر دوستی سعدی. (ستاری: ۱۳۸۳: ۱۲۵).
۱۴. داستان پردازی یا حکایت پردازی. (دستغیب، ۱۳۷۹: ۲۲۱)
۱۵. توجه به گفت و گو. (همان).
۱۶. تنوع و ابتکار در بیان. (همان).
۱۷. موردتدریس قرارگرفتن در مکاتب. (همان).
۱۸. شیوایی و شیرینی. (کسروی به نقل از عابدی، ۱۳۸۵: ۳۷)
۱۹. تصویر انسان آن‌چنان که هست. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۲).
۲۰. خالی بودن از کلمات رکیک. (حسین حالی، ۱۳۱۶: ۹۵-۶۹).
۲۱. خالی بودن از مطالب خارق العاده و قصص عجیب. (همان).
۲۲. توافق نسبتاً عمومی بر اصول اخلاقی ذکر شده. (همان).
۲۳. دوری از تعصب. (همان و همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۶ - ۳۴۹).
۲۴. سادگی و در عین به کارگیری صنایع لفظی. (حسین حالی، ۱۳۱۶: ۹۵-۶۹).
۲۵. حسن تأویل و استدلال‌های لطیف. (همان).
۲۶. آوردن استدلال برای اصول اخلاقی. (همان).
۲۷. نقل سرگذشت‌های واقعی. (همان).
۲۸. پرهیز از مباحث دور از ذهن. (همان).
۲۹. سخن گفتن به زبان همه ملل و اقوام عالم. (دشتی، ۱۳۶۴: ۱۸۳).
۳۰. تأثیر بر ادبیات پس از سعدی. (مسکوب، ۱۳۷۳: ۱۱۱).
۳۱. سخن گفتن درباره همه چیز. (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۶ - ۳۴۹).
۳۲. نگنجیدن در هیچ چارچوب بسته - گریز از ایدئولوژی. (همان).
۳۳. نگاه کردن به جهان از زوایای مختلف. (همان).
۳۴. ارزش قایل شدن برای همه راه‌ها و روش‌ها. (همان).
۳۵. کاهش نیافتن متدلوژی سعدی با یک مکتب رسمی. (همان).

۳۶. داشتن دید انتقادی به عرفان. (همان).
۳۷. دوری در کمال‌گرایی بیهوده. (همان).
۳۸. توجه به اعتدال. (همان).
۳۹. پیشتازی در واقع‌گرایی. (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۱۲۲).
۴۰. رنگ‌کهنگی نگرفتن مضامین سخن سعدی. (دشتی، ۱۳۶۴: ۱۸۰).
۴۱. تنوع و فراوانی تجارب سعدی که در داستان‌ها متجلی شده است.
۴۲. توجه به تمام طبقات اجتماعی. (یوسفی، ۱۳۷۷: ۴۵ - ۲۴).
۴۳. داشتن دید مردم‌شناختی. (همان).
۴۴. توجه به احوال مردمان مختلف از بعد روانشناختی. (همان).
۴۵. انعکاس زمانه و اوضاع و احوال آن در گلستان. (همان).
۴۶. سخن‌گفتن از فضایل عالی بشری در کنار اغراض و تمایلات پست اشخاص. (همان).
۴۷. برخورد اندیشه با دنیا و مسایل و دشواری‌های حیات انسان. (همان).
۴۸. جاری شدن بر دل و زبان مردم. (همان).
۴۹. جهان‌بینی گسترده. (همان).
۵۰. دادن تصویری تام از محیط. (همان).
۵۱. آفرینش زبان معیار. (موحد، ۱۳۷۴: ۱۹۰ - ۱۸۰).
۵۲. دادن حیات تازه به زبان فارسی. (همان).
۵۳. گلستان یک نمونه واقعی و عالی از طنز است که انتقاد ظریف، بن‌مایع اصلی آن است. (پزشک زاد، ۱۳۸۲: ۱۲۵).
- تا سال ۱۳۷۵ براساس مطالعه‌ای که حسن‌لی درباره کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره سعدی نوشته شده، انجام داده، از ۷۰۰ مقاله و ۱۵۰ کتاب از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۵ که در پیوند با سعدی در ایران پدید آمده و توزیع این آثار، تأثیری که سعدی بر ادبیات و مطالعات ادبی ایران معاصر داشته است را به خوبی نشان می‌دهد. توزیع موضوعی این آثار به قرار زیر بوده است:

محتوای جامعه شناختی گلستان سعدی

ردیف	عنوان مقاله (موضوع)	تعداد مقاله	درصد
۱	بررسی واژگانی، دستوری، سبکی و معنی بیت‌ها و عبارتها	۱۲۲	۱۵/۲۵
۲	مقایسه سعدی با شاعران و اندیشمندان دیگر و تاثیر و تاثر او	۱۰۰	۱۲/۵
۳	معرفی و نقد نوشته‌ای که در پیوند با سعدی پدید آمده‌اند	۸۸	۱۱
۴	بررسی کلی زندگی و شخصیت و مقام سعدی	۷۴	۹/۲
۵	تاکید بر قوت سعدی در کلام و جایگاه او در شعر فارسی	۷۳	۹/۱۲
۶	تاثیر سعدی در ادبیات خارج از ایران و ترجمه آثار او	۶۰	۷/۵
۷	امور اجتماعی و تربیتی در آثار سعدی	۵۹	۷/۳۸
۸	بررسی جنبه معنوی و عرفانی آثار سعدی	۵۹	۵/۷۵
۹	جهان بینی سعدی	۳۲	۴
۱۰	نسخه شناسی و کتاب شناسی سعدی	۲۸	۳/۵
۱۱	بررسی تاریخ اجتماعی زمان سعدی	۲۰	۲/۵
۱۲	زیباشناسی آثار سعدی	۱۷	۲/۱۲
۱۳	سخنان سعدی درباره خود	۱۳	۱/۶۲
۱۴	بررسی اشعار عربی و مثلثات سعدی	۱۲	۱/۵
۱۵	متفرقه	۵۶	۷
	جمع ^۳	۸۰۰	۱۰۰

نکته قابل توجه دیگر در مطالعه حسن‌لی آن است که گلستان، بوستان و غزلیات سعدی، بیشترین توجه را به خود جلب نموده‌اند و مورد مطالعه‌های گوناگون قرار گرفته‌اند. این موضوع می‌تواند شاخص میزان تاثیرگذاری آثار سعدی بر معاصران قلمداد شود. آنچه در مقالات مرتبط با سعدی از آثار او نقل شده است، توزیع متفاوت توجه به آثار سعدی را نشان می‌دهد:

ردیف	نام اثر	درصد
------	---------	------

۳۸/۹	گلستان	۱
۲۶/۸	بوستان	۲
۲۲/۴۴	غزلیات	۳
۵/۷۴	قصاید	۴
۲/۶	قطعات	۵
۱/۰۴	رسایل نشر	۶
۰/۷۵	رباعیات	۷
۰/۵	مثنویات	۸
۰/۵	اشعار عربی	۹
۰/۳۵	مفردات	۱۰
۰/۳۲	هزلیات و خبثیات	۱۱
۰/۲۸	مثلاث	۱۲
۰/۲۲	ترجیعات	۱۳
۰/۰۳	کریمیا	۱۴
۱۰۰	جمع	

اوضاع اجتماعی عصر سعدی

اوضاع اجتماعی عصر سعدی را نمی‌توان بدون در نظر آوردن یک فضای نظری به تصویر کشید. از این منظر نه فقط زمانه سعدی، بلکه کل تاریخ پر نشیب و فراز تاریخ ایران واجد شرایط خاصی بوده است که آمدن و رفتن سلسله‌ها و پادشاهان تغییرات اندکی در قیاس با کلیت تاریخ ایران به وجود می‌آوردند. اگر چه حمله اعراب و حمله مغول شاید دو واقعه مهم تاریخ ایران باشد، اما با در نظر گرفتن بی‌ثباتی دایمی و سیر قهقراپی تاریخ و فرهنگ ایران و موقعیت خاص جغرافیایی آن و خصوصاً شرایط زیست‌محیطی فلات ایران، شرایط را به گونه‌ای رقم زده‌اند که هر تحلیلی درباره هر یک از دوره‌های تاریخ ایران باید در این فضا دیده و تحلیل شود.

ویژگی اساسی جامعه ایرانی عدم پیوستگی و استمرار است و آن دقیقاً نتیجه فقدان طبقات و نهادهای اجتماعی دیرپا، از جمله فقدان یک طبقه اعیان اریستوکرات صاحب ثروت است. از همین روست که ایران را جامعه کوتاه مدت خوانده‌ایم. ایران جامعه‌ای است که در آن دگرگونی، حتی دگرگونی مهم و بنیادی معمولاً پدیده‌ای کوتاه مدت و زودگذر است و دلیل این امر دقیقاً به نبود چارچوب حقوقی پابرجا و تخطی‌ناپذیری بازی

می‌گردد که ضامن استمرار بلندمدت باشد. در طول هر دوره کوتاهی از زمان، طبقات اشراف، نظامی، اداری و ثروتمندی وجود داشتند، ولی ترکیب این طبقات برخلاف اریستوکراسی‌های سنتی و حتی طبقات تاجر پیشه اروپایی پس از یک یا دو نسل تغییر می‌کرد. در مورد ایران، دارایی و جایگاه اجتماعی عمر کوتاهی داشت، دقیقاً از آن رو که حقوق اجتماعی، ذاتی و غیر قابل نقض به شمار نمی‌رفت، بلکه جزو امتیازات شخصی قلمداد می‌شد. فقدان استمرار بلندمدت، طبق تعریف منجر به وقوع تغییرات چشمگیر از یک دوره کوتاه مدت به دوره کوتاه مدت بعدی شد به نحوی که تاریخ به صورت رشته‌ای از دوره کوتاه مدت پیوند خورده به هم درآمد. بنابراین از این جهت تغییرات فراوان‌تر - و معمولاً اساسی‌تر - و تحرک اجتماعی از طبقه‌ای به طبقه دیگر به مراتب شدیدتر از جوامع سنتی اروپا بود، اما باز بنا به تعریف، این شرایط سبب می‌شد انباشت دراز مدت دارایی، ثروت، سرمایه، نهادهای اجتماعی و خصوصی و حتی نهادهای آموزشی بسیار دشوار شود. اقدام به پس‌انداز مستمر و چشمگیر تنها در چارچوبی عقلایی و منطقی است که در آن شیخ غارت و مصادره اموال همیشه بالای سر افراد نباشد. حتی در اروپا هم دو عامل در تشویق انباشت بلندمدت سرمایه نقش اصلی را داشت: نخست پیدایش شهرهای آزاد، بورگ‌ها و غیره که دست تعدی فئودال از آنها کوتاه بود و دوم سر در آوردن پادشاهی‌های مطلقه دوران رنسانس که پشتیبان تمام عیار طبقات تجاری و متوسط بودند و از آنها در برابر منتقدان اریستوکرات بزرگ حمایت می‌کردند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۵ و ۳۴)

به زعم آریانپور نتایج تحولات تاریخی ایران را می‌توان به چند اصل تحویل کرد:

اصل اول: سیر قهقرایی جامعه: هجوم خارجی از دو جهت جامعه ایرانی را نه تنها از سیر تکامل خود باز داشته، بلکه به عقب نیز رانده است. چون اقوام مهاجم از نظر تکامل تاریخی در مراحل اقتصاد شبانی و برده‌داری بودند، پس از تصرف ایران به ناگزیر مختصات تاریخی خود را به جامعه ایرانی تحمیل می‌کردند. با هر هجومی سیر تکامل

جامعه دچار گسستگی و شکستگی می‌شد، اخلاق اجتماعی به پستی می‌گرایید و شهرنشینی فرومی‌خفت.

اصل دوم: ناستواری اشراف زمین‌دار: نظام زمین‌داری هرگز در ایران به قدر اروپا ریشه نداشت... در نتیجه؛ در اروپا اشراف زمین‌دار، یکه تاز بودند و از پادشاه حمایت می‌کردند. قدرت نامشروط امیران به زیان آن‌ها بود. سستی و ناستواری زمین‌داران باعث شد که سوداگران نه تنها پست شمرده نشوند، بلکه معزز نیز باشند.

اصل سوم: پس افتادگی صنعت و تجارت: به اقتضای محدودیت صنعت و تجارت، سوداگران هیچ‌گاه به صورت طبقه متشکل توانا درنیامدند. طبقه سوداگری که بتواند با اشراف درباری همدستان شود و زمین‌داران را براندازند، به وجود نیامد. بر اثر دوام همزیستی خود به خودی زمین‌داران و سوداگران در ایران تکامل طبقه‌ای منظمی روی نداد.

اصل چهارم: آشفتگی و بحران دایم: بدیهی است که در چنین جامعه‌ای که آشفتگی و بحران ژرف فرمانروا می‌شود، هیچ‌یک از دودمان‌های حاکم ایران نتوانند بحران را به پایان رسانند. (آریانپور، ۱۳۵۴: ۲۱۵-۲۱۱).

بخش اعظم زندگی سعدی در دوره پرآشوب و بحرانی استیلائی مغول قرار دارد. بدیهی است که در فضای نابسامان اجتماعی آن عصر اخلاقیات به شدت تنزل کرده و تاکید به اصول اخلاقی توسط سعدی، خود از این وضعیت مایه می‌گیرد.

استیلائی مغول و بعدها تیموری‌ها خود مایه‌ء نومیدی اجتماعی خلق الله، صوفی‌مابی (نه عرفان) آنها و رونق این بازار بود. به هر حال، علت‌ها هرچه باشد، واقعیت این است که در این دوره زهدفروشی، ریا و سودجویی از ساده‌لوحی عوام، رونق بسزا دارد. هم در میان عرفا و هم در بین علما، هر دو گروه، کیا بیایی دارند و در کار مُلک و ملت بی‌دخال نیستند. نشانی از این علما و صوفیان، از این «مشتی ریاست جوی رعنا» را در موش و گربه و دیگر آثار عبید زاکانی و دیوان خواجه می‌بینیم که قاضی و مفتی و فقیه و محتسب همه از یک قماش و سر ته یک کرباسند. (مسکوب، ۱۳۷۳: ۲۱۴).

موحد اوضاع فرهنگی و وضعیت اخلاق مردم عصر سعدی را وجه مخالف پندیات سعدی می‌داند که در آن همه طبقات و اقشار اجتماعی به گونه‌ای مستوجب نقد و طعن سعدی‌اند. «اگر وارد شهری شوید که بر تمام در دیوارهای آن در خدمت دزدی و نکوهش دزدان با انواع خطوط شکسته و نستعلیق به نثر و نظم داد سخن داده باشند، چه فکر خواهید کرد؟ به نظر شما کار از جایی خراب نیست؟ وقتی سعدی خطاب به امیر مقتدر فارس، انکیانو می‌گوید:

حرامش باد مُلک و پادشاهی که پیشش مدح گویند از قفا ذم

یا درباره عابدان می‌نویسد:

پارس‌سایان روی در مظلوم پشت بر کعبه می‌کنند نماز

یا از زبان فقیه درباره واعظان می‌گوید:

ترک دنیا به مردم آموزند خویشستن سیم و غله اندوزند

و از این گونه طعن و انتقاد در باب همه انواع و اصناف مردم فراوان در کار می‌آورد، آیا نشانه آن نیست که در کمتر جبینی نور رستگاری می‌دیده است؟ یک جا هم که دیگر خلقش حسابی تنگ شده بود، بقیة السیف حمله مغولان را این گونه مورد عنایت قرار داده است:

رحم الله مشعر الظالمین که به مردی قدم سپردندی

راحت جان بندگان خدای راحت جان خود شمردندی

کاش، آنان چو زنده می‌نشوند باری این ناکسان بمردندی

آنچه درباره زمانه سعدی آوردیم شاید بتواند زمینه اجتماعی این همه پند و اندرزگویی و دلتنگی و آزرده‌خاطری سعدی را نشان دهد». (موحد، ۱۳۷۴: ۸۶ و ۸۵).

بنابراین تباهی اخلاق مردم، سعدی را وا می‌دارد که نقد خود از اوضاع زمانه، از طریق حکایت پندآموز بیان نماید: دوره استقرار مغول دوره متملقان و چاپلوسان و تقرب‌جویان به خان و رواج توطئه، دسیسه و ناجوانمردی است، در این دوران کمتر آدم‌کاردان و مدیری است که قربانی توطئه نشده و به مرگ طبیعی مرده باشد. (همان: ۵۰).

ناپایداری زمانه سعدی که وجه مشترک همه شئون و طبقات اجتماعی است، در دو بیت زیر به خوبی توصیف شده است:

جهان بگشتم و آفاق به سر دیدم به مردمی که گراز مردمی اثر دیدم

کسی که تاج زرین بود، در صبح به سر نماز شام را خشت زیر سر دیدم

سفر سعدی به بغداد نمی‌تواند به معنی فرار از شرایط بحران زده ایران تلقی شود، چرا که بغداد هم در آن عصر فضای امن و راحتی نبود: «برخلاف تصور برخی از ساده‌اندیشان، بغداد زمان سعدی از نظر بعد سیاسی فضایی امن و آرام نداشت. در این سال‌های سیاه، آشفتگی‌های اجتماعی ناشی از نابسامانی‌های سیاسی و تضادهای مذهبی و درگیری پیشوایان و پیروان مذاهب و حملات آشکار و پنهان اسماعیلیان، جامعه‌ای پدید آورده بود؛ سخت سست بنیان و آسیب‌پذیر، با حکمرانانی بی‌خبر از آنچه در بیخ گوششان می‌گذشت. آنان که این دوره را تا حدودی امن و آرام یافته‌اند، حق تحقیق حکم می‌نمود که سری به گزارش‌های ابن اثیر مورخ معاصر این دوره می‌زدند که خود در متن حوادث می‌زیسته و فجایع را از نزدیک دیده و یا شنیده است». (کسایی، ۱۳۷۸: ۷۸). در همین اثنا که در سرزمین ایران و بغداد در اثر حمله مغول شرایط بدی حاکم بود که در توصیف آن موحد گفته است: «بنا به شواهد تاریخی ایران سال‌هایی بدتر از سال‌هایی که سعدی در آن می‌زیسته از سرنگذرانیده است. اگر ویران کردن شهرها، سوزاندن خانه‌ها و کتابخانه‌ها، کشتار و غارت و پدید آوردن چنان وحشتی در مردم که خود را گروه گروه و بی‌هیچ مقاومت تسلیم مرگ کنند، فنی داشته باشد، مغولان استادان این فن بوده‌اند». (موحد، ۱۳۷۴: ۴۶). در شیراز شرایط نسبتاً امنی به وجود می‌آید که در آن زمان در هیچ نقطه ایران وجود نداشته است. تنها دلیری و گستاخی دلیل پیروزی ملت‌ها نیست. تدبیر و کشورداری نیز لشکر شکست‌ناپذیر خود را دارد. در همین عصر اتابک ابوبکر بن سعد زنگی ۶۲۳ تا ۶۵۸ یعنی بیش از ۳۴ سال توانست با حسن تدبیر محیط امنی فراهم آورد. (همان: ۴۸).

در سایر نقاط ایران، مهم‌ترین جنبه حیات فرهنگی ایران با «عرفان» شناخته می‌شود که خود به صورت واکنشی در برابر وضعیت سیاسی در ایران به وجود آمد: از قرن‌های هفتم و هشتم هجری یعنی در زمان استقرار حکومت مغول و بعد تیموریان در ایران، موقعیت اجتماعی عرفان تغییر می‌کند و از صورت دستگاهی معنوی مبتنی بر تجربه‌های نفسانی بدل به یک سازمان اجتماعی نیرومند می‌شود، با دم و دستگاه و آب و ملک و موقوفات، در ارتباط با فرمانروایان و حکام، جمع مریدان و خانقاهیان اجیر و مهیای دخالت در زد و خوردها و کشمکش‌های محلی. برای این تحول دلایل گوناگونی وجود دارد. می‌دانیم که مغول‌ها دین «درستی» نداشتند و لاقلاً تا مدت‌ها تعصبی در مسلمانی نمی‌ورزیدند. برخلاف مثلاً غزنویان یا سلجوقیان که کاسهء داغ‌تر از آتش بودند. داستان محمود معروف است که گرد جهان دست در سوراخ کرده، قرمطی می‌جست تا بر دار کند.

از قرن هفتم نطله‌های غیررسمی اسلام، هم تشیع و هم عرفان پر و بالی گرفتند. تیمور نیز که با تعصب سنگ اسلام را به سینه می‌زد ظاهراً تحت تاثیر آیین شمن (shamanism) ترکان آسیای میانه، به درویشی و صوفی‌مآبی خانقاه‌یانی که مدعی کشف و کرامات بودند، ارادتی نشان می‌داد او در عین بی‌رحمی و خونخواری، خرافاتی هم بود. هم‌چنین شاید به علت بعضی ملاحظات سیاسی (اگر چه تا شمشیرش کار می‌کرد، اهل ملاحظه نبود) هوای مشایخ و علما را داشت. (مسکوب، ۱۳۷۳: ۲۱۳ و ۲۱۲).

راوندی نکته فوق را به صورت زیر بیان کرده است: «به عقیده این‌جانب تصوف در ایران عکس‌العمل روحی مردم حساس و هوشمندی است که در طول چند قرن کشورشان تحت اشغال بیگانه بوده و حق و قدرت هیچ‌گونه اظهار نظری در امور مملکت و حتی امور زندگی خویش را نداشته‌اند. دست و زبانشان بسته و دل و قلمشان شکسته بوده است». (راوندی، ۱۳۸۳: ج ۸، ۲۴۳).

در توصیف خلقیات مردم آن روز ایران عطا‌ملک جوینی نوشته است: «... اکنون بسیط زمین عموماً و بلاد خراسان خصوصاً که مطلع سعادات و مبررات و موضع مرادات و

خیرات بوده و منبع علما و مجمع فضلا و مرتع خردمندان بود... از پیرایه وجود متحلیان به حیلت هنر و آداب خالی شد و جمعی که به حقیقت کذب و تزویر را وعظ و تذکیر دانند و زبان و خط ایغوری را فضل و هنر تمام شناسند، هریک از ابنا السُّوق در زی (لباس) اهل فُسوق امیری گشته و هر مزووری دستوری و هر مُزدوری وزیری و هر مُدبری (بدبختی) دبیری... و هر مُسُرفی مُسُرفی (مراقب و ناظر هزینه) و هر شیطانی نایب دیوانی و هر شاگرد پایگاهی خداوند حرمت و جاهی و هر فراشی صاحب دورباشی (نیزه دار شاه و نقیب قافله) و هر جافی (ظالم) کافی و هر خسی کسی و هر خسیسی رئیس و هر غادری (مکار و غدر کننده) قادری و هر دستاربندی، دانشمند بزرگواری و هر حمالی از مساعدت روزگار، با فُسحت حالی...

آزاده دلان گوش به مالش دادند وز حسرت و غم سینه به نالش دادند
پشت هنر آن روز شکست درست کین بی‌هنران پشت به بالش دادند

(جوینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۴ و ۵)

طبیعی است که در ایران عهد مغول در اثر درهم ریختن تمامی مبانی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، هیچ فرد یا شخصیتی تن به همکاری با این وحشیان خونخوار نمی‌داد و مغولان نیز جز مردان مطیع، پست و فرومایه کسی را به همکاری و خدمت دعوت نمی‌کردند. و صاف الحضره در این ابیات، ماهیت رجال و شخصیت‌های سیاسی و اداری آن عصر را برملا می‌کند:

تبارک الله از این خواجگان بی‌حاصل که گشته‌اند به ناگه ملوک اهل بلوک
همه شقی‌شدگان در ازل همه منحوس همه فلک‌زدگان تا ابد همه مفلوک
نه هیچ باز شناسند صاحب از مصحوب نه هیچ فرق توانند مالک از مملوک
جز اشک، حاصل ادرار نیست مردم را که عشر می‌طلبند از تکدی صُعلوک

(راوندی، ۱۳۸۲: ج ۸، ۳۲۸-۳۲۷)

اگر بخواهیم توصیف جامعه عصر سعدی را با مبنایی نظری پیگیری نماییم، لازم است با پایه قرار دادن یکی از دستگاه‌های کلان نظری که امکان توصیف اجزا و عناصر

جامعه را فراهم می‌سازد، این مهم را انجام دهیم. از این منظر می‌توان از انواع انسجام اجتماعی دورکیم (مکانیکی و ارگانیکی) با نوع‌های آرمانی (ideal types) ماکس وبر، خرده نظام‌های کنش پارسونز و یا نوع‌شناسی جامعه‌ها به شیوه ماده‌گرایی مارکسیستی استفاده نماییم، اما در این‌جا تنها از منظر پارسونز به موضوع می‌نگریم و سعی خواهیم کرد توصیفی اجمالی از عصر سعدی ارائه نماییم. از یک طرف اگر بپذیریم که نظم دارای چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، پاسداران نظم عبارتند از: اندیشه، تعهد، زور و پول و از طرف دیگر هنگامی که یکی از انواع معرفت با رابطه اجباری ترکیب شود، می‌تواند بالقوه باعث نوعی حيله یا به اصطلاح زور پوشیده گردد. به این ترتیب می‌توان چهار نوع حيله را در روابط اجباری از هم تمیز داد. حيله فلسفی، حيله اخلاقی، حيله ایدئولوژیک، حيله علمی.

خرده نظام‌ها	علائم	پاسداران نظم	نوع حيله	عناصر نظم
فرهنگی	L	اندیشه	فلسفی	آرمان‌های مشترک
اجتماعی	I	تعهد	اخلاقی	مجموعه تعاملی مشبک
سیاسی	G	زور	ایدئولوژیک	مجموعه هنجارهای مشترک
اقتصادی	A	پول	علمی	مجموعه مواضع اجتماعی مشبک ^۵

در تفسیر جدول فوق و انطباق آن با عصر سعدی می‌توان گفت: نظام اجتماعی در ایران همانند تمامی جوامع بشری از چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تشکیل شده است. آنچه باعث پایداری یا ناپایداری نظم اجتماعی می‌شود، اندیشه و آرمان‌های مشترک، تعهد در مجموعه‌های تعاملی شبکه‌بندی شده، زور و قدرت هنجارهای مشترک و قدرت مبادله در مجموعه مواضع اجتماعی مشبک است، اما در اثر بحران‌های سیاسی و ناپایداری عناصر فرهنگی، به هم ریختگی آرمان‌های مشترک، از هم گسستن مجموعه‌های تعامل، سستی و تضعیف هنجارهای اجتماعی و بی‌اعتبار شدن مجموعه مواضع اجتماعی شبکه‌بندی شده، انواع و اقسام حيله و نیرنگ از فلسفی و اخلاق گرفته تا ایدئولوژیک و علمی در عصر پر آشوب سعدی، رخ می‌نمایند.

جامعه واقعی پس از حمله مغول	جامعه مطلوب (آرامانی)
بروز انواع حيله‌های فلسفی و زوال اندیشه	وجود آرمان‌های مشترک، بسط اندیشه
تضعیف اخلاق و زوال تعهد	وجود مجموعه تعامل‌های مشبک و تعهد بین آحاد و طرفین تعامل
پراکندگی و عدم تجميع زور در منابع ملی، بروز حيله‌های ایدئولوژیک	وجود هنجارهای مشترک برای عمل و قدرت کافی اعمال آن
بی اعتباری و ناپایداری مواضع اجتماعی، نامشخص بودن حقوق و تکالیف، تغییر در معیارهای ارزش و مبادله و بروز حيله‌های علمی، استفاده نابه‌جا از علم و تکنولوژی برای تخریب	وجود مواضع اجتماعی شبکه‌بندی شده‌ای که قدرت اقتصادی آنها به عنوان معیار شناخت میزان قدرت هریک از مواضع به حساب می‌آید.

خرده نظام‌ها	مشخصه عمده عصر سعدی	انواع ناهنجاری‌ها در زمانه سعدی
اقتصادی	تخریب سرمایه اقتصادی	- تخریب اموال - دزدی و غارت - رشوه‌خواری و اختلاس - بی احترامی به مالکیت خصوصی - سرمایه‌گذاری کافی در تولید و بازسازی منابع تولید
سیاسی	تخریب سرمایه سیاسی	- نیرنگ و تقلب سیاسی - بی‌عدالتی - تزویر و ریاکاری - خشونت و استبداد - ناپایداری حکام - توطئه و خیانت
اجتماعی	تخریب سرمایه اجتماعی	- بی‌اعتمادی - تبعیض قومی و جنسیتی - دروغ - انزوا و از بین رفتن سازمان اجتماعی - به هم ریختگی مواضع و پایگاه‌ها - خاص‌گرایی و عدم گرایش به مشارکت اجتماعی
فرهنگی	تخریب سرمایه فرهنگی	- بی‌هویتی - گرایش به هنجارهای قوم مغول و تظاهر به آن - تخریب زبان فارسی - تشمت و فرقه‌گرایی مذهبی

چارچوب نظری

در چارچوب نظری تحقیق به دو سوال اساسی باید پاسخ گفت: نخست آن‌که علت‌های توفیق ادبی گلستان سعدی از نظر جامعه‌شناسی چیست؟ و دوم آن‌که در دسته‌بندی مقوله‌های مضمونی و محتوایی گلستان کدام معیارها و چارچوب‌های مفهومی را باید در نظر داشت؟ به عبارت دیگر بر پایه کدام طرح نظری می‌توان به دسته‌بندی پدیده‌های اجتماعی موصوف سعدی پرداخت؟ در پاسخ به سوال نخست در خصوص علل توفیق ادبی گلستان در طول قرون که از پیدایش آن می‌گذرد می‌توان چند نکته جامعه‌شناختی را مطرح ساخت:

اهمیت موضوعی و خصلت اسطوره‌ای موضوع گلستان

از این نظر می‌توان گفت که پهنه موفقیت نویسنده در درون گروه اجتماعی خود به توانایی او در این که «طنین صدا دار» آن گروه باشد بستگی دارد (اصطلاح «طنین صدا دار» را ویکتور هوگو به کار برده است)، (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۱۰۶). آیا سعدی توانسته است طنین صدا دار گروه اجتماعی خود باشد؟ شهرت سعدی در فرهنگ ایران و جهان شاخصی برای این طنین صدا دار است. هم‌چنین تعداد جملات و ابیات نغزی که از وی بر افواه جاری است، مؤید تأثیر وی خصوصاً تأثیر گلستان سعدی بر جان انسان ایرانی و حتی جهان است. امروزه هنگامی که از موفقیت اثر ادبی سخن می‌رود، این موفقیت، موفقیتی تجاری قلمداد می‌شود. به عبارت دیگر منظور از موفقیت، جلب تعدادی از خوانندگان است که با انتظار ناشر مطابق، کمتر یا بیشتر از حد انتظار و متفاوت است. موفقیت گلستان شاید از این حیث قابل بررسی باشد، اما یقیناً معیار موفقیت گلستان سعدی می‌تواند شاخص‌هایی از قبیل زیر باشد:

۱. تعداد ارجاعات در زبان فارسی و خارجی.
۲. تعداد مقالات و کتاب‌هایی که در تعبیر و شرح و نقد گلستان نوشته شده است.
۳. میزان تأثیر گلستان بر سبک‌های ادب فارسی پس از سعدی.

۴. میزان تاثیرگذاری گلستان بر زبان جاری مردم (به صورت حکم و ضرب المثل و...).
۵. گستره جغرافیایی انتشار و شهرت گلستان در زبان‌های مختلف جهان.
۶. قدرت شناخت گلستان توسط ملل دیگر.
۷. تعداد موارد ترجمه اثر به زبانهای دیگر.
۸. و معیارهای دیگر.

شاید به جرأت بتوان گفت گلستان از نظر تمام شاخص‌های فوق در کل ادبیات فارسی بی‌نظیر و بی‌رقیب است. اگر چه این نکته واجد این معنی نیست که آثاری مانند شاهنامه فردوسی یا خمسه نظامی، دیوان حافظ و مثنوی مولانا که پنج گوهر بی‌نظیر ادب پارس به شمار می‌روند ارزش جامعه شناختی کمتری از گلستان دارند، اما براساس معیارهای توفیق شاید بتوان امتیاز بیشتری به گلستان سعدی داد. بنابراین با توجه به نقطه نظر ویکتور هوگو می‌توان گفت موضوع و مضمون حکایات و پندهای سعدی در گلستان آن چنان اسطوره‌ای، جهانی و انسانی هستند که هرگز در قالب فرهنگ خاص و محلی، در بند نمی‌ماند و راه سفر را پی گرفته‌اند:

سخن باید که چون از کلام شاعر بیاید در جهان گردد مسافر
نه زان گونه که در دفتر بماند به جز قایل سر او را کس نخواند
(گرگانی، ۱۳۶۹: ۱۱۷)

ایدئولوژی ناگرایی گلستان

گلستان اگر چه کتابی اخلاقی است، اما پندهای اخلاقی آن را نمی‌توان در حوزه ایدئولوژی قرار داد. سعدی در گلستان انسانی است افتاده و آزاده:
سعدی افتاده‌ای است آزاده کس نیاید به جنگ افتاده

وی بر له یا علیه هیچ مکتبی یا مشربی از مکاتب و نطه‌های روزگار خویش نکته‌ای نگفته است. اگرچه سعدی از موازین مسلمانی خارج نیست، اما تعلق خاطر وی به خداوند و پیامبر اسلام و حتی مشایخ صوفیه به گونه‌ای نیست که خواننده‌ای را آزرده خاطر

نماید. ابیات و جملاتی در گلستان که خصوصاً بر علیه یهودیان آمده است را باید با توجه به شرایط و فضای عمومی حاکم بر جامعه و اعتقاد جاری مردم در زمانه سعدی توضیح داد. آدورنو در مقاله‌ای که تحت عنوان «سخنی پیرامون شعر غنایی و اجتماع» نوشته است، به این نکته اشاره کرده است: «... ایدئولوژی، ناحقیقت است، شعور کاذب است، دروغ است. ایدئولوژی به معنای شکست اثر است و از کذب فی نفسه اثر، عیان می‌شود. ایدئولوژی، هدف نقد است، اما با زدن برچسب ایدئولوژی به آثار بزرگ هنری - آثاری که ذاتاً از کار بر روی شکل و بنابراین از آشتی نیت‌مند تضادهای هستی مشخص پدید می‌آیند، نه تنها به حقیقت خاص محتوای اثر ظلم کرده‌ایم که حتی مفهوم ایدئولوژی را نیز تحریف کرده‌ایم... از قضا عظمت اثر هنری فقط در این است که می‌گذارد چیزهایی که ایدئولوژی پنهان می‌کند به سخن درآیند، نیت اثر هر چه باشد، موفقیت آن در فراتر رفتن از آگاهی کاذب است.» (آدورنو، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۵۰).

روحیه تساهل‌گرایی سعدی را می‌توان در گلستان به وضوح مشاهده کرد آن چنان که بسیاری از منتقدین این روحیه تساهل و همرنگی با گروه‌های اجتماعی و روش پراگماتیک سعدی را با ماکیاولیسم، اشتباه گرفته‌اند. به یقین تعلق ایدئولوژیک سعدی می‌توانست امتیازات این اثر را از چشم پیروان کور و متعصب ایدئولوژی‌های گوناگون دور بدارد. این روحیه به یقین ناشی از روحیه چند فرهنگی سعدی است که در اثر سفرهای دور و دراز وی که قریب به سی سال به طول انجامیده، پرورش یافته است.

تنوع موضوعی و مضمونی حکایات

صرف‌نظر از آن‌که گلستان در هشت باب، یک دیباچه و یک «خاتمه‌الکتاب» تنظیم شده است، به صراحت می‌توان گفت تنوع مضمونی گلستان بی‌نظیر است. آن چنان که حتی دو حکایت مشابه با هدف مشابه تربیتی یا فرهنگی و اخلاقی را نمی‌توان در کل گلستان پیدا کرد. ایجاز و زبان قابل فهم و آهنگین گلستان به یقین در به خاطر ماندن جملات حکمی وی مؤثر بوده‌اند، اما بر اساس آن‌چه در یافته‌های تحقیق خواهد آمد، تنوع نقش‌های اجتماعی گروه‌های سنی و... خصایص روانشناسی افراد درگیر در حکایت‌ها و

خصایص اجتماعی و فضاهای اجتماعی متنوع و نوع حکایات را در برمی‌گیرد. این ویژگی گلستان آن را به بی‌نظیرترین اثر ادبی کلاسیک ایران تبدیل کرده است به گونه‌ای که کتاب‌هایی مانند *سیاستنامه* اثر خواجه نظام الملک طوسی، نه از نظر ساختار و سبک و نه حتی از نظر مضمون، با این کتاب قابل مقایسه نیستند.

خصلت پارادوکسیکال یا تناقض‌نمایی‌ها (Paradoxically)

آموزه‌ها از زبان نقش‌های مختلف آن‌چنان به زبان در می‌آید که گویی راوی حکایت با هر یک از نقش‌های درگیر در حکایات هم‌نویی دارد. این خصلت پارادوکسیکال سبب شده است که حتی مخالفان آموزه‌های سعدی، بتوانند درباره اثر بیشتر سرشت در مقایسه با اثر تربیت که در حکایات باب در تاثیر تربیت آمده است، شواهدی بر له آرای خود بیابند. این ویژگی گلستان، یعنی سخن گفتن سعدی از زبان طرفین مذاکره و دعوی که البته در هر دو نقش مقابل به صورتی یکسان از نظر شیوایی و استواری کلام طرح می‌شود، خواننده را در این تصور انداخته است که سعدی گفتاری متناقض دارد؛ در حالی که در تأویل سخن سعدی است که خواننده آگاه و نه ظاهربین درمی‌یابد که وی که حکیمی نسبت گراست و هرگز پا در ورطه مطلق‌گرایی ننهاده است، با یک دیدگاه، موافقت بیشتری در مقایسه با دیدگاه دیگر دارد.

عدم تعلق به نخبگان و عوام

گلستان نه یکسره کتابی است برای نخبگان و خواص و نه یکسره کتابی برای عوام. اگرچه منتقدینی از جمله اسماعیل خویی بر وجه عامه‌پسندی گلستان تاکید کرده‌اند، زبان روان و سبک نگارش سعدی که با ظرافت، پیچیدگی‌های روان و رفتار آدمی را تصویر می‌نماید، ایشان را به چنین خطایی در ارزیابی از مخاطبان گلستان رسانیده است. اشتراک مضمونی در طبقات مختلف (رجوع کنید به جدال سعدی با مدعی) این اثر را اثری فرا طبقاتی نموده است. در گلستان همان‌گونه که از زبان اسیران دربند و نوجوان اسیر در دست شاهی که به مرضی هایل مبتلاست، سخن گفته شده است، از

وضع حال شاهان و وزرا و خواجگان، سخن رفته است. سازنده زبان فراطبقاتی سعدی، تجربیات متفاوت وی و شرایط اقتصادی و اجتماعی متفاوت وی است که گاهی وی را به کار گل می‌گمارند و گاه در جایگاهی قرار می‌گیرد که پادشاه وقت انکیانو را نه مدح که نصیحت می‌کند.

بس بگردید و بگرد روزگار دل به دنیا در بنبندد هوشیار
ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
نام نیکو گر بماند ز آدمی به کز او ماند سرای زرنگار

(فروغی، ۱۳۸۲: ۷۴۵)

فراوانی عرصه‌های تجربه اجتماعی زندگی برای سعدی امکان کسب تجربیات زیست شده متعددی را به وی داده است که برای کمتر کسی حتی در جامعه امروز قابل تصور است. به واسطه این قابلیت، سعدی با سفرهای دور و دراز و همراهی با کجاوه‌نشینان و پیادگان در سفر حج و همراهی با اعرابی و ایرانی، به این موقعیت ممتاز و منحصر به فرد یعنی «تجربه چند فرهنگی» دست یافته است.

ترکیب فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی

«آنچه باید باشد» که در زبان جامعه‌شناسی می‌تواند تعبیر به ارزش اجتماعی (Social values) شود و «آنچه هست» یا واقعیات اجتماعی و رفتاری، آن‌که می‌تواند در مفهوم هنجارهای اجتماعی (Social norms) تعریف شود، در گلستان ترکیبی حیرت‌انگیز و همراه و همگام دارند. گلستان نه چون بوستان کتابی است با تاکید بر جامعه آرمانی سعدی و نه کتابی است یکسر از ارزش‌های اجتماعی و جامعه آرمانی عاری، اما ترکیب خواست و آرزوی سعدی و جامعه آرمانی وی در کنار بیان واقعیات جاری، از گلستان کتابی دو وجهی ساخته است که خواننده یا خوانندگان آن، هم به رفتار مورد پذیرش پی می‌برند هم حد نهایی و ایده آل رفتار را و جهت‌گیری اخلاقی و انسانی را در می‌یابد.

زبان طنزآمیز سعدی در گلستان

طنز با تعریفی که پزشک‌زاد از آن در کتاب خود «طنز فاخر سعدی» آورده است، در گلستان جلوه‌ای به تمام معنا دارد. فقدان یا کم شماری متون طنزآمیز و انتقادی در تاریخ ادبیات کلاسیک ایران (کلیات عبید زاکانی یک استثناست) به مردمان نکته‌بین و ظریف‌اندیش ایران که در عین بی‌قدرتی سیاسی، تنها توان به طعن گرفتن و نقادی ظریف قدرتمندان را داشتند، این فرصت را داده است که از زبان ظریف و طنزآمیز سعدی، عرصه و روابط غیر منطقی و ظالمانه قدرتمندان و فرودستان را به عرصه نقد نزدیک نماید.

استفاده از عرفان ایرانی و جهان بینی سیستمی

اگر چه سعدی در «خاتمه کتاب» یادآور می‌شود و آن چنان که معلوم است، استنادی به آثار قدما ندارد، اما این به معنی عدم استفاده از سرمایه فرهنگی غنی ایران زمین و سایر ممالکی که سعدی آنها را سیاحت نموده است، نیست. بر خلاف رای محققینی مثل دشتی که در تعدادی از باب‌های گلستان بی‌نظمی و فقدان تفکر سیستماتیک را ملاحظه نموده‌اند و هم‌چنین با توجه به نقدی که پزشک‌زاد بر تعدادی از حکایات ناهمخوان انگاشته شده توسط دشتی در برخی باب‌های گلستان، نوشته است می‌توان گفت: گلستان کتابی سیستماتیک است و این نگاه را سعدی مدیون تفکر سیستمی در عرفان ایرانی است. بر اساس دلایل ذکر شده می‌توان استدلال کرد که توفیق ادبی گلستان زادهء عوامل بسیاری است که این عوامل را می‌توان به شرایط تربیتی سعدی، محیط اجتماعی وی، تجربیات چند فرهنگی، نگاه ترکیبی و غیر متعصبانه، پیوستگی با فرهنگ ملی ایران، توجه به آرمان‌ها و واقعیات اجتماعی، طبقات اجتماعی مختلف، تنوع مضمونی حکایات مرتبط با عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و فرا زمانی و فرا مکانی بودن ایده‌های سعدی، منتسب دانست. در صورتی که بخواهیم استدلال‌های ذکر شده را در قالب چند گزاره به طور خلاصه ذکر نماییم، می‌توانیم از جدول زیر مدد بگیریم:

گزاره نظری	واقعیت گلستان	عامل شناسایی شده
موفقیت یک اثر به توانایی اثر	تعداد ارجاعات، کتاب‌های شرح	طنین صدا دار گلستان

	و نقد گلستان، تأثیر این کتاب بر سبک‌های ادبی و زبان فارسی، تأثیرگذاری بر زبان جاری مردم، گستره جغرافیایی انتشار و شهرت گلستان، قدمت شناخت گلستان توسط ملل دیگر، ترجمه‌های مکرر گلستان همگی شاخص‌هایی برای وجود این «طنین صدا دار» است.	در داشتن طنین صدا دار بستگی دارد. (ویکتور هوگو)
ایدئولوژی ناگرایی گلستان	گلستان کتابی اخلاقی است اما این کتاب از ایدئولوژی خاصی که متعلق به گروه اجتماعی خاصی داشته باشند، مبری است.	ایدئولوژی دروغ است، ایدئولوژی گرایی به معنی شکست اثر است. عظمت اثر هنری در این است که می‌گذارد آن‌چه ایدئولوژی پنهان می‌کند به سخن درآید (تئودور آدورنو)
تنوع مضمونی گلستان	در گلستان که از قریب ۲۹۲ حکایت و بند (در باب هشتم) تشکیل شده است، می‌توان بالغ بر ۶۰۰ نقش اجتماعی و بیش از ۳۵۰۰ هنجار و ارزش اجتماعی را شناسایی کرد.	تنوع موضوعی و مضمونی یک اثر به مخاطبان مختلف امکان هم‌زبانی می‌دهد و طیف گسترده‌تری از مخاطبات را جلب می‌کند.
خصلت پارادوکسیکال گلستان	در حکایات گلستان می‌توان مقابل اندیشه‌های گروه‌های اجتماعی مختلف را مشاهده نمود.	مقابل ایده‌های متناقض‌نما و خصلت پارادوکسیکال اثر از جمله فنون خطابه و سخنرانی و نقل حکایات است. این ویژگی در ایجاد حیرت و ذوق در خواننده و جلب وی موثر است.
فرا طبقاتی بودن	گلستان از زبان تمامی طبقات اجتماعی و از منظر تمام طبقات اجتماعی عصر سعدی سخن می‌گوید، این خصلت گلستان تعلق طبقاتی آن را از بین برده است.	تعلق یک اثر به گروه و طبقه خواص یا طبقه عوام، آن را از دسترس گروه دیگر خارج می‌سازد.
خصلت چند فرهنگی و تجربه چند فرهنگی گلستان.	تجربیات گونه‌گون سعدی و دیدن اقوام و طبقات و ملل و شهرهای مختلف و آشنایی	نسبیت فرهنگی (Cultural relativity) و نگاه چند فرهنگی یک اثر، در توفیق آن

	سعدی با طیف متنوعی از گرایش‌ها و تعلقات و دیدن عرصه‌های مختلف اجتماعی به وی خصلت چندفرهنگی داده‌است.	اثر و گذر کردن آن از مرزهای قومی و قبیله‌ای و خرده فرهنگ‌های خاص رها می‌کند و به آن خصلتی فرا ملیتی می‌دهد.
ترکیب واقع‌گرایی و آرمانگرایی متعارف.	در حکایات گلستان، داستان‌های واقعی یا داستان‌هایی با واقع‌گرایی متعارف، چنان با آرمان‌های بشری ترکیب شده‌اند که تشخیص یکی از دیگری بدون نگاه کارشناسانه غیر ممکن است.	واقع‌گرایی (Realism) و ذکر تجربیات واقعی مردمان تمامی طبقات اجتماعی در کنار آرمان‌های فرا قومی بشری و ترکیب این دو وجه، اثر را از یک جانبه‌گرایی خارج کرده و ضمن فراهم آوردن تجربه‌ای ملموس برای خواننده، افق‌های تازه‌ای را در برابر وی می‌گشاید.
تناسب ساختارهای ذهنی مردم و ساختار و مضامین گلستان.	گلستان زبان خاص مردم است مردم آن چه می‌بینند و حس می‌کنند سعدی به شیواترین وجه ممکن آن را در قالب حکایات مطرح کرده‌است. زبان طنزآمیز و انتقادی سعدی در گلستان با زبان عموم مردم در جامعه‌ای استبدادزده و ناامن تناسب دارد.	مخاطبان در آثار ساختارهای ذهنی و تکوینی خود را به صورت ناخودآگاه جست‌وجو می‌کنند. هرگاه ساختارهای ذهنی خوانندگان با اثر تناسب داشته باشد، اثر بیشتر مورد پسند واقع می‌شود. (ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن)
ارتباط سیستماتیک گلستان با فرهنگ و سرمایه فرهنگی ایرانیان.	گلستان دارای ارتباطی سیستماتیک با فرهنگ ایرانی است.	ارتباط سیستماتیک اثر با سرمایه فرهنگی و ارزش‌ها و آرمان‌های مردم و همخوانی اثر با سایر عناصر فرهنگی و شرایط واقعی زندگی مردم موجب توفیق اثر ادبی است.

در پاسخ به سوال دوم تحقیق که «کدام معیارها و چارچوب‌های مفهومی را در دسته‌بندی مقوله‌های مضمونی و محتوایی گلستان باید در نظر داشت؟» باید به این نکته اشاره کرد که اساساً در جامعه‌شناسی بر سر آن که امر یا پدیده اجتماعی چیست یا چه حد و گستره‌ای از دنیای اجتماعی را باید به عنوان کوچک‌ترین واحد قابل تعریف جامعه در نظر، تفاوت نظر آشکاری وجود دارد. جامعه‌شناسی دورکیمی بر نهاد، در

جامعه‌شناسی زیمل بر کنش‌های متقابل نوعی یا الگودار، مارکس بر نظام‌های معیشتی، در جامعه‌شناسی پارسونز بر نظام، در جامعه‌شناسی وبر بر کنش و مانند آن تأکید می‌شود. بنابراین در صورتی که بخواهیم بر سر هر یک از طرح‌های مفهومی فوق تأکید کنیم بعدی از پدیده را عمده کرده و بخشی دیگری از آن را ندیده گرفته‌ایم. بر این اساس لازم است رویکردی چندگانه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی اتخاذ نمود که دسته‌های اصلی و مفروضات آن به قرار زیر باشند:

اول: تمام افراد انسانی نیازهای اساسی همانندی دارند.

دوم: همه ما به تدریج دارای یک رشته نیازهای انشقاقی متنوع می‌شویم.

سوم: همه ما برای ارضای نیازهای خود دارای منابع اساسی همانندی هستیم.

چهارم: ما همه به شیوه‌های اجتماعی زندگی وابسته‌ایم.

پنجم: همه ما از توانایی ایجاد نمادها و استفاده از آن برخورداریم.

ششم: در مورد نمادها، همه ما انسان‌ها از توانایی عظیمی برای یادگیری برخورداریم؛ برای یادگیری و برای تغییر دادن رفتار خود بر اساس آنچه یاد می‌گیریم. **هفتم:** ما همه از نوعی خودآگاهی کاملاً پیشرفته برخورداریم. نوعی اشعار به وجود خویشتن و بر وضع و موقعیت خود نسبت به بقیه جهان.

هشتم: ما همه، در نهایت امر، تحت تاثیر انگیزه‌های خاصی برای ارضای نیازمندی‌های خود قرار داریم که ریشه در ساختار ژنتیکی ما دارد. انگیزه‌ای که ما را بر آن می‌دارد تا ارضای این نیازمندی‌ها را مقدم بر نیازهای دیگران بدانیم. (لنسی و لنسکی، ۱۳۶۹: ۳۶-۳۰).

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع تجربیات غیر مستقیم است. منظور از تجربه غیرمستقیم رجوع با واسطه به واقعیت اجتماعی است. از آن جا که این تحقیق بر روی گلستان سعدی و زمینه‌های اجتماعی آن به عنوان یک پدیده تاریخی انجام می‌شود، لازم است مطالعه با رجوع به شواهد تاریخی و متن گلستان صورت گیرد. رویکرد غالب در تحقیقی که مبنای این نوشتار قرار گرفته است، به لحاظ بینشی کیفی (Qualitative) و تأویلی

(Hermeneutical) است، اما در تحقیق از رویکرد کمی (Quantitative) نیز غفلت نشده است (و در این نوشتار سعی در ارائه بخش کمی آن داریم). تکنیک تحقیق عمدتاً تحلیل محتوا (Content Analysis) است. بر اساس تعریف، تحلیل محتوا عبارت است از مطالعه منظم، عینی و کمی محتوای آشکار ارتباطات. بر این اساس تلاش شده است بااستناد به چارچوب مفهومی، متغیرها و مقولات مشخص شوند و با رجوع به متن و متناسب با واحد بررسی و واحدهای شمارش (که در زیر عنوان خواهد شد)، استخراج منظم و عینی صورت گیرد. ابزار تحقیق پرسشنامه معکوس است. بدین منظور چند ابزار متفاوت (متناسب با اهداف تحقیق) ساخته شد و در استخراج و اندازه‌گیری به کار رفته است. پس از استخراج اطلاعات و تنظیم الفبایی هر دسته از اطلاعات به دست آمده که با هدف مقایسه، تأویل، درک متنی و فرامتنی صورت گرفت، با ورود اطلاعات به صورت کمی به بسته نرم‌افزاری علوم اجتماعی (spss) امکان تحلیل کمی اطلاعات نیز فراهم شده است.

واحد بررسی و شمارش

واحد بررسی در تمام ابزارهای ساخته شده و به کار رفته «گفتار» بوده است. منظور از گفتار در این تحقیق هر پیامی است که به لحاظ مضمونی واجد معنای مستقل اجتماعی، تلقی شود. بر این اساس ممکن است یک گفتار به لحاظ آن که محتوی چند پیام متفاوت باشد، چند بار شمارش شده باشد. از آنجا که متن گلستان ترکیبی است از نثر و نظم، محقق قادر نبوده است واحد شمارش یکسانی را به جز گفتار در نظر بگیرد. البته در عمل واحدهای باب و حکایت هم در توصیف‌ها و مقایسه‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما آنچه واجد معنای مستقلی تلقی می‌شده‌اند، اساس تحلیل قرار گرفته است. بنابراین بر خلاف طرح‌های معمول تحلیل محتوا که با یک بار مراجعه به متن صورت می‌گیرد، در این تحقیق عملاً به تعداد ابزارهای ساخته شده، مراجعه‌های متعدد، صورت گرفته است.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق کلیه گفتارهای گلستان است. تعداد این گفتارها به تفکیک هر یک از ابزارهای تحقیق بسته به کشش، شمول، تنوع و کمیت گفتارهای قابل استخراج، متفاوت بوده است. تعداد این گفتارها به قرار زیر بوده است:

توزیع فراوانی گفتارهای مورد بررسی در تفکیک نوع گفتار

نوع گفتار	تعداد	درصد
نقش، قاعده (هنجار، ارزش)	۲۷۵۳	۶۲.۲
انواع کنش متقابل (گسسته، پیوسته) عناصر و انواع ارتباطات	۹۴۸	۲۱.۴
کشورها و شهرها	۱۱۲	۲.۵۲
عوارض جغرافیایی، مکان‌ها و فضاها	۱۷۷	۳.۹
کانی‌ها و رستنی‌ها	۱۳۹	۳.۱
حیوانات	۲۲۵	۵.۰
خوراکی‌ها	۵۴	۱.۲۲
تفریحات و آلات موسیقی	۱۴	۰.۳۱
جمع	۴۴۲۲	۱۰۰.۰۰

بر پایه اطلاعات جدول فوق، عمده گفتارهای گلستان واجد اطلاعات ارجمندی درباره انواع نقش‌های اجتماعی، قواعد (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی) است. در بررسی هم‌چنین این نکته قابل توجه حاصل شده است که انواع کنش‌های متقابل و روابط متقابل اجتماعی فراوان قابل ملاحظه‌ای در گلستان دارد. از نظر تنوع روابط اجتماعی، گلستان سعدی یک اثر بی‌بدیل فارسی است.

سایر گفتارهای استخراج شده بدین منظور مورد توجه واقع شده‌اند که امکان ارایه تصویری واقعی در عصر سعدی فراهم شود. بدون دانستن شرایط اقلیمی، جغرافیایی، مکان‌ها و فضاها، رستنی‌ها، حیوانات، خوراکی‌ها، تفریح‌ها و آلات موسیقی و بسیاری اطلاعات ارزشمند که در گلستان سعدی وجود دارند، امکان توصیف واقعی فضای اجتماعی - فرهنگی عصر سعدی ممکن نخواهد بود. نمونه‌ای ده موردی از گفتارهای استخراج شده از گلستان (از ۴۴۲۲ مورد) در جدول زیر آمده است:

فهرست گفتارهای گلستان به تفکیک نهادهای اجتماعی نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی،

نوع قاعده و آدرس

ردیف	نهادهای اجتماعی	نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی	اوصاف یا چشمداشت‌های نقشی	نوع قاعده	آدرس گلستان سعدی تصحیح یوسفی [باب (ب) حکایت (ح) صفحه (ص)]
۱	اقتصاد	معدنکار	زر از معدن به کان کندن برآید و از دست بخیل به جان‌کندن دنوان نخورند و گوش دارند گویند: امید به که خورده روزی (بینی) به کام دشمن زر مانده و خاک مرده	هنجار	ب ۸، ص ۱۸۸
۲	اقتصاد	صاحب دیوان	ملک موروث را خاص کردن (از آن خود کردن)	هنجار	ب ۱۶، ح ۱
۳	اقتصاد	ابله	اسراف کاری	هنجار	ب ۱۳، ح ۱
۴	اقتصاد	ابله	یافتن گنج در خرابه	هر دو	ب ۳۹، ح ۱
۵	اقتصاد	ابله	هیچ شباهتی به آدمی ندارد مگر دراعه و دستار نقش بیرونش	هنجار	ب ۲۶، ح ۳
۶	اقتصاد	ابله	نداشتن هیچ چیز حلال در اسباب ملک و هستی به جز خونش	هنجار	ب ۲۶، ح ۳
۷	اقتصاد	ابله توانگر	سمین (قربه) و خلعت ثمین (گرانقیمت) داشتن	هنجار	ب ۲۶، ح ۳
۸	اقتصاد	اتابک	صاحب سرایی که اوای کوس از آن آید	هنجار	ب ۱۹، ح ۵
۹	اقتصاد	توانگران (از منظر سعدی)	از بهر راحت دگران، دست تناول آنکه برند که متعلقان و زیردستان بخورند و فضله مکارم ایشان به ارامل و پیران و اقارب و همسایگان (حیران) رسیده	ارزش	ب ۷، جدال با مدعی
۱۰	اقتصاد	اعرابی	کیسه پر مرواریدی که	هنجار	ب ۳، ح ۱۶

		یافته است را گندم بریان پندارد	گرسنه		
--	--	-----------------------------------	-------	--	--

یافته‌ها (تحلیل کمی)

براساس مطالعه انجام شده بر روی ۲۷۵۲ گفتار از گفتارهای گلستان که در آنها مصادیق نهادهای اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی وجود داشته است، توزیع گفتارها براساس نوع نهاد اجتماعی در جدول شماره ۱ آمده است. براساس این جدول می‌توان گفت:

۱. خانواده و عرصه خصوصی با ۲۱/۳ درصد، دین با ۲۰ درصد، اقتصاد با ۱۶/۳ درصد، آموزش و پرورش با ۱۵/۸ درصد و سیاست و حکومت با ۱۴/۶ درصد به ترتیب بیشترین مقدار مصادیق را در گلستان داشته‌اند.
۲. صرف نظر از تفاوت‌های اندک کلیه عرصه‌ها و نهادهای اجتماعی در گلستان، تقریباً به قدر یکسانی مورد توجه سعدی بوده‌اند.
۳. علاوه بر پنج نهاد اصلی، به نهادهای پزشکی و اوقات فراغت هم توجه شده است.
۴. حوزه‌های ترکیبی (ترکیب نهادهای دین، سیاست، اقتصاد، آموزش و خانواده با هم) یا حوزه‌هایی که به بیش از یک نهاد اجتماعی مربوط بوده است، اگرچه در گلستان اهمیت نهادهای اولیه و اصلی را ندارند، اما نکات قابل توجهی از مضامین اجتماعی در درون آنها وجود دارد. نمونه آن اقتصادسیاسی است. مراد از این ترکیب، گفتارهایی است که سعدی در آنها به توضیح استفاده از اقتصاد برای کسب قدرت پرداخته است.

توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان بر اساس

نوع نهادهای اجتماعی

درصد	فراوانی	نهادهای اجتماعی
۱۵.۸	۴۳۶	آموزش و پرورش، علم و هنر
۱۲.۵	۳۴۴	دین
۱۶.۳	۴۵۰	اقتصاد
۱۴.۶	۴۰۳	سیاست و عرصه عمومی
۲۱.۳	۵۸۶	خانواده و عرصه خصوصی

۲.۸	۷۸	آموزش و دین
۳.۴	۹۴	اقتصاد و دین
۱.۸	۵۰	سیاست و دین
۰.۶	۱۶	همه نهادها
۰.۸	۲۱	سیاست و آموزش
۰.۸	۲۳	هیچ یک، امور ماورالطبیعی
۴.۶	۱۲۸	پزشکی و بهداشت جسمانی و روانی
۲.۵	۶۹	اوقات فراغت، تفریح و خودآرایی
۲.۰	۵۴	اقتصاد سیاسی
۱۰۰۰	۲۷۵۲	کل

در جدول زیر توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان به تفکیک نوع قاعده (هنجار و ارزش یا هر دو) آمده است. در مرور مطالعاتی از زبان بسیاری صاحب‌نظران نقل شده که بسیاری در مقایسه گلستان و بوستان، گلستان را جهان واقعی و بوستان را جهان آرمانی سعدی می‌دانند. یافته‌های این تحقیق این نکته را تایید کرده است چرا که بیش از ۲ برابر آن‌چه که کاملاً در حوزه ارزش‌ها قرار می‌گیرد، گفتارهای هنجاری در گلستان وجود دارد.

توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان به تفکیک نوع قاعده

نوع قواعد	فراوانی	درصد
هنجار	۱۶۲۳	۵۹.۰
ارزش	۷۳۵	۲۶.۷
هر دو	۳۹۵	۱۴.۳
کل	۲۷۵۳	۱۰۰.۰

در جدول زیر توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان به تفکیک نام باب آمده است. براساس اطلاعات این جدول، مهم‌ترین باب گلستان از نظر تعداد گفتارها باب در سیرت پادشاهان و براین اساس اگر کتاب گلستان کتابی برای انتقاد و توصیف سیرت پادشاهان قلمداد شود، بیراه نخواهد بود. پس از باب در سیرت پادشاهان باب در اخلاق درویشان بیشترین فراوانی از گفتارها را دارد که دقیقاً وجه مقابل آیین پادشاهان

است. بنابراین در یک توصیف کلی می توان گفت گلستان در توصیف آیین درویشان و نقد سیرت پادشاهان نوشته شده است. باب‌های در فصیلت قناعت و در فواید خاموشی را می توان به اخلاق درویشان اضافه نمود. باب در تاجر تربیت با هدف کلی سعدی به عنوان یک انسان فرهیخته و معلم اخلاق سازگار است و باب «در آداب صحبت» خود می‌تواند کتابی مستقل تلقی شود که سبک و سیاق نوشتاری آن با سایر باب‌های گلستان متفاوت است.

**توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان
به تفکیک نام باب‌ها**

باب	فراوانی	درصد
دیباچه	۱۸۸	۶.۸
در سیرت پادشاهان	۶۰۱	۲۱.۸
در اخلاق درویشان	۵۳۴	۱۹.۴
در فصیلت قناعت	۳۱۱	۱۱.۳
در فواید خاموشی	۹۴	۳.۴
در عشق و جوانی	۲۶۱	۹.۵
در ضعف و پیری	۸۱	۲.۹
در تاثیر تربیت	۲۵۷	۹.۳
در آداب صحبت	۴۱۱	۱۴.۹
خاتمه الكتاب	۱۵	۰.۵۰
کل	۲۷۵۳	۱۰۰.۰

در جدول زیر که به صورت دو سویه ترسیم شده است، توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان از نظر نوع نهاد و به تفکیک نوع قواعد آمده است. براساس اطلاعات جدول می‌توان گفت:

۱. گفتارهای مرتبط با نهاد آموزش و پرورش در ۵۵/۳ درصد موارد هنجاری بوده‌اند.
۲. گفتارهای مرتبط با نهاد دین در ۴۵/۳ درصد موارد هنجاری بوده‌اند.
۳. گفتارهای مرتبط با نهاد اقتصاد در ۶۴/۴ درصد موارد هنجاری بوده‌اند.

۴. گفتارهای مرتبط با نهاد سیاست و عرصه عمومی در ۶۴/۵ درصد موارد هنجاری بوده‌اند.

۵. گفتارهای مرتبط با نهاد خانواده و عرصه خصوصی در ۶۳/۱ درصد موارد هنجاری بوده‌اند.

۶. در مجموع ۵۹ درصد از گفتارها، گفتارهای هنجاری و سایر گفتارها در ۲۶/۷ درصد موارد ارزشی و در سایر موارد (۱۴/۳ درصد) هر دو (ارزش و هنجار) بوده‌اند.

۷. ۹ درصد از گفتارهای اوقات فراغت و تفریح هنجاری‌اند.

۸. تنها ۳۴/۸ درصد از گفتارهای ماورای طبیعی هنجاری بوده‌اند.

توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان
به تفکیک نهادهای اجتماعی و نوع قواعد

کل	نوع قواعد			نهادهای اجتماعی
	هر دو	ارزش	هنجار	
۴۳۶	۶۸	۱۲۷	۲۴۱	آموزش و پرورش، علم و هنر
%۱۰۰۰	%۱۵.۶	%۲۹.۱	%۵۵.۳	درصد سطری
۳۴۴	۴۸	۱۴۰	۱۵۶	دین
%۱۰۰۰	%۱۴.۰	%۴۰.۷	%۴۵.۳	درصد سطری
۴۵۰	۶۲	۹۸	۲۹۰	اقتصاد
%۱۰۰۰	%۱۳.۸	%۲۱.۸	%۶۴.۴	درصد سطری
۴۰۳	۴۷	۹۶	۲۶۰	سیاست و عرصه عمومی
%۱۰۰۰	%۱۱.۷	%۲۳.۸	%۶۴.۵	درصد سطری
۵۸۶	۱۰۳	۱۱۳	۳۷۰	خانواده و عرصه خصوصی
%۱۰۰۰	%۱۷.۶	%۱۹.۳	%۶۳.۱	درصد سطری
۷۸	۱۲	۲۶	۴۰	آموزش و دین
%۱۰۰۰	%۱۵.۴	%۳۳.۳	%۵۱.۳	درصد سطری
۹۴	۶	۴۷	۴۱	اقتصاد و دین
%۱۰۰۰	%۶.۴	%۵۰.۰	%۴۳.۶	درصد سطری
۵۰	۹	۲۳	۱۸	سیاست و دین
%۱۰۰۰	%۱۸.۰	%۴۶.۰	%۳۶.۰	درصد سطری

۱۶	۳	۵	۸	همه نهادها
%۱۰۰۰۰	%۱۸۸	%۳۱۰۳	%۵۰۰۰	درصد سطری
۲۱	۷	۲	۱۲	سیاست و آموزش
%۱۰۰۰۰	%۳۳۰۳	%۹۰۵	%۵۷۰۱	درصد سطری
۲۳	۱	۱۴	۸	هیچ یک، امور ماورالطبیعی
%۱۰۰۰۰	%۴۰۳	%۶۰۰۹	%۳۴۰۸	درصد سطری
۱۲۸	۲۱	۳۱	۷۶	پزشکی و بهداشت جسمانی و روانی
%۱۰۰۰۰	%۱۶۰۴	%۲۴۰۲	%۵۹۰۴	درصد سطری
۶۹	۴	۰	۶۵	اوقات فراغت، تفریح و خودآرایی
%۱۰۰۰۰	%۵۰۸	%۰۰۰	%۹۴۰۲	درصد سطری
۵۴	۴	۱۳	۳۷	اقتصاد سیاسی
%۱۰۰۰۰	%۷۰۴	%۲۴۰۱	%۶۸۰۵	درصد سطری
۲۷۵۲	۳۹۵	۷۳۵	۱۶۲۲	جمع کل
%۱۰۰۰۰	%۱۴۰۴	%۲۶۰۷	%۵۸۰۹	درصد

جدول زیر توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان را براساس باب و به تفکیک نوع قواعد نشان می‌دهد. باب‌های گلستان از نظر میزان تاکید بر روی ارزش‌ها و هنجارها متفاوتند. با نگاهی به جدول نکات زیر روشن می‌شود:

۱. در دو باب «در ضعف و پیری» و «باب در سیرت پادشاهان» بیشترین میزان از توجه به هنجارها به جای توجه به ارزش‌ها و آرمان‌ها مشاهده می‌شود (۷۶/۵ و ۷۰/۴ درصد).

۲. در دو باب در آداب صحبت و در تاثیر تربیت بیشترین توجه به ارزش‌های اجتماعی مشاهده می‌شود (۴۰/۴ درصد و ۲۶/۱ درصد).

۳. ارزشی‌ترین قسمت گلستان دیباچه است.

توزیع گفتارهای مرتبط با نهادهای اجتماعی در گلستان براساس

باب‌ها و به تفکیک نوع قواعد

باب	نوع قواعد	کل
-----	-----------	----

هر دو	ارزش	هنجار		
۱۸۸	۵۰	۷۴	۶۴	دیباجه
%۱۰۰۰	%۲۶.۶	%۳۹.۴	%۳۴.۰	درصد
۶۰۱	۴۸	۱۳۰	۴۲۳	در سیرت پادشاهان
%۱۰۰۰	%۸.۰	%۲۱.۶	%۷۰.۴	درصد
۵۳۴	۵۸	۱۴۲	۳۳۴	در اخلاق درویشان
%۱۰۰۰	%۱۰.۹	%۲۶.۶	%۶۲.۵	درصد
۳۱۱	۳۹	۹۷	۱۷۵	در فضیلت قناعت
%۱۰۰۰	%۱۲.۵	%۳۱.۲	%۵۶.۳	درصد
۹۴	۴	۳۰	۶۰	در فواید خاموشی
%۱۰۰۰	%۴.۳	%۳۱.۹	%۶۳.۸	درصد
۲۶۱	۶۹	۱۹	۱۷۳	در عشق و جوانی
%۱۰۰۰	%۲۶.۴	%۷.۳	%۶۶.۳	درصد
۸۱	۱۳	۶	۶۲	در ضعف و پیری
%۱۰۰۰	%۱۶.۰	%۷.۴	%۷۶.۵	درصد
۲۵۷	۵۴	۶۷	۱۳۶	در تاثیر تربیت
%۱۰۰۰	%۲۱.۰	%۲۶.۱	%۵۲.۹	درصد
۴۱۱	۵۸	۱۶۶	۱۸۷	در آداب صحبت
%۱۰۰۰	%۱۴.۱	%۴۰.۴	%۴۵.۵	درصد
۱۵	۲	۴	۹	خاتمه کتاب
%۱۰۰۰	%۱۳.۳	%۲۶.۷	%۶۰.۰	درصد
۲۷۵۳	۳۹۵	۷۳۵	۱۶۲۳	کل
%۱۰۰۰	%۱۴.۳	%۲۶.۷	%۵۹.۰	درصد

جدول زیر توزیع گفتارهای گلستان را براساس نهاد اجتماعی و نوع قواعد نشان می‌دهد. این جدول قصد دارد نشان دهد گفتارهای گلستان هنگامی که درباره نهادهای اجتماعی مختلف هستند، آیا توزیع متفاوتی از نظر توجه به قواعد و هنجارها دارند یا خیر. نکات زیر از این مقایسه به دست آمده است:

۱. نهادهای سیاست و عرصه عمومی و اقتصاد هنجاری‌ترین گفتارها را در گلستان دارند.

۲. نهادهای ارزشی‌ترین گفتارهای گلستان را به خود اختصاص داده است.

۳. تقریباً هر آن چه درباره اوقات فراغت و تفریح در گلستان آمده است، هنجاری است مگر در ۵/۸ درصد موارد که ارزشی و هنجاری اند.

توزیع گفتارهای گلستان بر اساس نهادهای اجتماعی و به تفکیک نوع قاعده

کل	نوع قواعد			نهادهای اجتماعی
	هر دو	ارزش	هنجار	
۴۳۶	۶۸	۱۲۷	۲۴۱	آموزش و پرورش، علم و هنر
%۱۰۰۰۰	%۱۵.۶	%۲۹.۱	%۵۵.۳	درصد
۳۴۴	۴۸	۱۴۰	۱۵۶	دین
%۱۰۰۰۰	%۱۴.۰	%۴۰.۷	%۴۵.۳	درصد
۴۵۰	۶۲	۹۸	۲۹۰	اقتصاد
%۱۰۰۰۰	%۱۳.۸	%۲۱.۸	%۶۴.۴	درصد
۴۰۳	۴۷	۹۶	۲۶۰	سیاست و عرصه عمومی
%۱۰۰۰۰	%۱۱.۷	%۲۳.۸	%۶۴.۵	درصد
۵۸۶	۱۰۳	۱۱۳	۳۷۰	خانواده و عرصه خصوصی
%۱۰۰۰۰	%۱۷.۶	%۱۹.۳	%۶۳.۱	درصد
۷۸	۱۲	۲۶	۴۰	آموزش و دین
%۱۰۰۰۰	%۱۵.۴	%۳۳.۳	%۵۱.۳	درصد
۹۴	۶	۲۷	۴۱	اقتصاد و دین
%۱۰۰۰۰	%۶.۴	%۵۰.۰	%۴۳.۶	درصد
۵۰	۹	۲۳	۱۸	سیاست و دین
%۱۰۰۰۰	%۱۸.۰	%۴۶.۰	%۳۶.۰	درصد
۱۶	۳	۵	۸	همه نهادها
%۱۰۰۰۰	%۱۸.۸	%۳۱.۳	%۵۰.۰	درصد
۲۱	۷	۲	۱۲	سیاست و آموزش
%۱۰۰۰۰	%۳۳.۳	%۹.۵	%۵۷.۱	درصد
۲۳	۱	۱۴	۸	هیچ یک، امور ماورالطبیعی
%۱۰۰۰۰	%۴.۳	%۶۰.۹	%۳۴.۸	درصد
۱۲۸	۲۱	۳۱	۷۶	پزشکی و بهداشت جسمانی و روانی
%۱۰۰۰۰	%۱۶.۴	%۲۴.۲	%۵۹.۴	درصد
۶۹	۴	۰	۶۵	اوقات فراغت، تفریح و خودآرایی
%۱۰۰۰۰	%۵.۸	%۰.۰	%۹۴.۲	درصد
۵۴	۴	۱۳	۳۷	اقتصاد سیاسی

درصد	%۶۸.۵	%۲۴.۱	%۷.۴	%۱۰۰.۰
کل	۱۶۲۲	۷۳۵	۳۹۵	۲۷۵۲
درصد	%۵۸.۹	%۲۶.۷	%۱۴.۴	%۱۰۰.۰

جدول زیر توزیع گفتارهای گلستان را براساس نهاد اجتماعی و به تفکیک باره نشان می دهد. این جدول عهده دار این سوال است که هر باب گلستان بیشتر در باب چیست؟ نکات زیر از جدول درباره این که هر نهاد اجتماعی بیشتر در کدام یک از بابها توصیف شده است، قابل استخراج است:

۱. نهاد آموزش و پرورش در بابهای در آداب صحبت (۲۱/۱ درصد)، در سیرت پادشاهان (۱۶/۳ درصد) و در تاثیر تربیت (۱۴/۲ درصد).
۲. نهاد دین در باب اخلاق درویشان (۵۳/۲ درصد) دیباچه و در آداب صحبت (۱۵/۴ درصد).
۳. نهاد اقتصاد در باب در فضیلت قناعت (۲۵/۳ درصد) و در باب در سیرت پادشاهان (۲۳/۳ درصد).
۴. نهاد سیاست و عرصه عمومی در باب در سیرت پادشاهان (۴۸/۱ درصد) و در آداب صحبت (۱۶/۴ درصد).
۵. نهاد خانواده در باب در عشق و جوانی (۲۸/۸ درصد) و در اخلاق درویشان (۱۷/۴ درصد).
۶. نهادهای آموزش و دین در اخلاق درویشان (۶۱/۵ درصد).
۷. نهادهای اقتصاد و دین در باب در فضیلت قناعت (۲۴/۵ درصد) و در آداب صحبت (۲۳/۴ درصد).
۸. نهادهای سیاست و دین در سیرت پادشاهان (۵۶ درصد).
۹. همه نهادها در باب در آداب صحبت (۳۷/۵ درصد).
۱۰. نهادهای سیاست و آموزش در ۴۷/۶ درصد موارد در باب تاثیر تربیت.
۱۱. امور ماورالطبیعی در باب در آداب صحبت (۳۹/۱ درصد).
۱۲. نهاد پزشکی در باب در فضیلت قناعت (۲۰/۳ درصد).

۱۳. اوقات فراغت یا تفریح و خودآرایی در ۴۷/۸ درصد موارد در باب در اخلاق درویشان.

۱۴. اقتصاد سیاسی در ۳۵/۲ درصد موارد در باب در فضیلت قناعت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توزیع گفتارهای گلستان بر اساس نهادهای اجتماعی و به تفکیک باب‌ها

کل	باب										نهادهای اجتماعی
	خاتمه کتاب	در آداب صحبت	در تاثیر تربیت	در ضعف و پیری	در عشق و جوانی	در فواید خاموشی	در فضیلت قناعت	در اخلاق درویشان	در سیرت پادشاهان	دیباچه	
۴۳۶	۸	۹۲	۶۲	۹	۲۴	۳۹	۲۴	۶۱	۷۱	۴۶	آموزش و پرورش، علم و هنر
%۱۰۰۰۰	%۱.۸	%۲۱.۱	%۱۴.۲	%۲.۱	%۵.۵	%۸.۹	%۵.۵	%۱۴.۰	%۱۶.۳	%۱۰.۶	درصد
۳۴۴	۶	۵۳	۲۶	۰	۱۰	۱۲	۱۶	۱۲۱	۴۷	۵۳	دین
%۱۰۰۰۰	%۱.۷	%۱۵.۴	%۷.۶	%۰.۰	%۲.۹	%۳.۵	%۴.۷	%۳۵.۲	%۱۳.۷	%۱۵.۴	درصد
۴۵۰	۱	۵۷	۵۲	۴	۱۴	۸	۱۱۴	۸۲	۱۰۵	۱۳	اقتصاد
%۱۰۰۰۰	%۰.۲	%۱۲.۷	%۱۱.۶	%۰.۹	%۳.۱	%۱.۸	%۲۵.۳	%۱۸.۲	%۲۳.۳	%۲.۹	درصد

سیاست و عرصه عمومی	۲۵	۱۹۴	۲۸	۲۵	۱۵	۲۲	۰	۱۸	۶۶	۰	۴۰۳
درصد	%۶.۲	%۴۸.۱	%۹.۴	%۶.۲	%۳.۷	%۵.۵	%۰.۰	%۴.۵	%۱۶.۴	%۰.۰	%۱۰۰.۰
خانواده و عرصه خصوصی	۲۶	۹۲	۱۰۲	۳۶	۱۵	۱۶۹	۴۶	۲۸	۷۲	۰	۵۸۶
درصد	%۴.۴	%۱۵.۷	%۱۷.۴	%۶.۱	%۲.۶	۲۸۸ %	%۷.۸	%۴.۸	%۱۲.۳	%۰.۰	%۱۰۰.۰
آموزش و دین	۳	۲	۴۸	۷	۲	۲	۰	۹	۵	۰	۷۸
درصد	%۳.۸	%۲.۶	%۶۱.۵	%۹.۰	%۲.۶	%۲.۶	%۰.۰	%۱۱.۵	%۶.۴	%۰.۰	%۱۰۰.۰
درصد ستونی	%۱.۶	%۰.۳	%۹.۰	%۲.۳	%۲.۱	%۰.۸	%۰.۰	%۳.۵	%۱.۲	%۰.۰	%۲.۸
اقتصاد و دین	۰	۹	۱۵	۲۳	۰	۳	۲	۲۰	۲۲	۰	۹۴
درصد	%۰.۰	%۹.۶	%۱۶.۰	%۲۴.۵	%۰.۰	%۳.۲	%۲.۱	%۲۱.۳	%۲۳.۴	%۰.۰	%۱۰۰.۰
سیاست و دین	۲	۲۸	۵	۴	۰	۱	۰	۳	۷	۰	۵۰
درصد	%۴.۰	%۵۶.۰	%۱۰.۰	%۸.۰	%۰.۰	%۲.۰	%۰.۰	%۶.۰	%۱۴.۰	%۰.۰	%۱۰۰.۰
همه نهادها	۱	۲	۳	۰	۰	۰	۰	۴	۶	۰	۱۶
درصد	%۶.۳	%۱۲.۵	%۱۸.۸	%۰.۰	%۰.۰	%۰.۰	%۰.۰	%۲۵.۰	%۳۷.۵	%۰.۰	%۱۰۰.۰
سیاست و آموزش	۳	۳	۲	۱	۱	۰	۰	۱۰	۱	۰	۲۱

درصد	%۱۴.۳	%۱۴.۳	%۹.۵	%۴.۸	%۴.۸	%۰.۰	%۰.۰	%۰.۰	%۴۷.۶	%۴.۸	%۰.۰
هیچ یک، امور ماورالطبیعی	۱	۴	۰	۶	۰	۱	۰	۰	۲	۹	۰
درصد	%۴.۳	%۱۷.۴	%۰.۰	%۲۶.۱	%۰.۰	%۴.۳	%۰.۰	%۰.۰	%۸.۷	%۳۹.۱	%۰.۰
پزشکی و بهداشت جسمانی و روانی	۱۲	۲۱	۱۹	۲۶	۱	۵	۱۹	۱۱	۱۴	۱۴	۰
درصد	%۹.۴	%۱۶.۴	%۱۴.۸	%۲۰.۳	%۰.۸	%۳.۹	%۰.۸	%۱۴.۸	%۸.۶	%۱۰.۹	%۰.۰
اوقات فراغت، تفریح و خودآرایی	۳	۱۰	۳۳	۱۰	۱	۶	۱	۴	۱	۱	۰
درصد	%۴.۳	%۱۴.۵	%۴۷.۸	%۱۴.۵	%۱.۴	%۸.۷	%۱.۴	%۱.۴	%۵.۸	%۱.۴	%۰.۰
اقتصاد سیاسی	۰	۱۳	۵	۱۹	۰	۳	۰	۸	۶	۶	۰
درصد	%۰.۰	%۲۴.۱	%۹.۳	%۳۵.۲	%۰.۰	%۵.۶	%۰.۰	%۱۴.۸	%۱۱.۱	%۱۱.۱	%۰.۰
کل	۱۸۸	۶۰۱	۵۳۴	۳۱۱	۹۴	۲۶۰	۸۱	۲۵۷	۴۱۱	۱۵	۲۷۵۲
درصد	%۶.۸	%۲۱.۸	%۱۹.۴	%۱۱.۳	%۳.۴	%۹.۴	%۲.۹	%۹.۳	%۱۴.۹	%۰.۵	%۱۰۰.۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در پاسخ به دو سوالات اساسی تحقیق یعنی اولاً چه عواملی در توفیق ادبی گلستان نقش داشته‌اند، سعی شد با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناختی و مفروضات و قضایای به دست داده شده در جامعه‌شناسی ادبیات به ذکر و توضیح مهم‌ترین عوامل، بپردازیم. این عوامل عبات بودند از: تجربیات چند فرهنگی، نگاه ترکیبی و غیر متعصبانه، پیوستگی با فرهنگ ملی ایران، توجه به آرمان‌ها و واقعیات اجتماعی، طبقات اجتماعی مختلف، تنوع مضمونی حکایات مرتبط با عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و فرا زمانی و فرا مکانی بودن ایده‌های سعدی. در پاسخ به سوال دوم که به طور مختصر درباره این نکته بود که چگونه می‌توان به شیوه‌های منطقی و روشمند به طبقه‌بندی مضامین و محتوای گلستان پرداخت؟ به این پاسخ می‌توان اشاره نمود که با تقسیم محتوای گلستان به واحد متنی «گفتار» (بر اساس تعریف ارائه شده در بالا) می‌توان گفتارهایی را شناسایی کرد که هر یک به نهادی از نهادهای اجتماعی مربوط باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده در گلستان توصیفی همه جانبه از نهادهای اجتماعی وجود دارد و این توصیف‌ها هر یک به بعدی از ابعاد زندگی اجتماعی مربوطند، آن‌چنان که می‌توان اظهار داشت سعدی با درایت و توجه عمیق سعی نموده است به جای تاکید بر بعدی خاص از زندگی، تمامی گستره حیات فردی و اجتماعی آدمی را مورد توجه قرار دهد.

پی‌نوشت:

۱. این مقاله بر گرفته از تحقیقی است با عنوان «تحلیل محتوا و طبقه بندی مضامین اجتماعی گلستان سعدی» که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان به انجام رسیده است.
۲. عابدی، ۱۳۸۴؛ ۴۴ به نقل از مقالات محمد علی فروغی جلد ۱. به کوشش حبیب یغمایی - مجله یغما ۱۳۵۳: ۲۵۷.
۳. حسن‌لی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه. شماره ۲۹.
۴. (همان).

۵. ر.ک.ب: چلبی، ۱۳۷۵.

منابع:

۱. آریان پور، امیر حسین (۱۳۵۷) *جامعه‌شناسی هنر*، انجمن کتاب دانشجویان دانشکده هنر دانشگاه تهران.
۲. انصاری لاری، محمد ابراهیم (۱۳۸۰) *سعدی‌نواندیش*، اطلاعات ۸/۶/۱۳۸۰.
۳. پزشک زاد، ایرج (۱۳۸۲) *طنز فاخر سعدی*، تهران: انتشارات شهاب ثاقب.
۴. جوینی، عطا ملک عطای‌الدین محمد بن شمس‌الدین (۱۳۶۷) *تاریخ جهانگشای جوینی*، [در سند ۶۵۸ هجری]، سعی و اهتمام و تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، بانضمام حواشی و فهرس، تهران: بامداد؛ ارغوان.
۵. حاکمی، اسماعیل (۱۳۷۶) *شیوه‌گزلسایی سعدی*، یادنامه مفاخر کرمان «شاه شجاع کرمانی» عارف قرن سوم هجری، زیر نظر جواد برومند سعید. به کوشش داریوش کاظمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶. حسین‌حالی، الطاف (۱۳۱۶) *حیات سعدی*، سید نصرالله سروش. تهران: بنگاه دانش.
۷. دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۹) «گلستان همان سعدی است»، *کیهان فرهنگی*. شماره ۱۷۱.
۸. دشتی، علی (۱۳۶۴) *قلمرو سعدی*، تهران: انتشارات اساطیر.
۹. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲) *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد هشتم، بخش اول: حیات ادبی مردم ایران. تهران انتشارات نگاه.
۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) *حدیث خوش سعدی*، در باره زندگی و اندیشه سعدی. تهران: نشر مرکز.
۱۱. ستاری، جلال (۱۳۸۰) *هویت ملی و هویت فرهنگی*. *بیست مقاله در قلمرو تاریخ و فرهنگ*. تهران: نشر مرکز.
۱۲. صیادکوه، اکبر (۱۳۸۴) *جامعیت شخصیت سعدی و پیوند آن با تنوع آثار وی*، *سعدی‌شناسی* (مجموعه مقالات). دفتر هشتم.
۱۳. عابدی، کامیار (۱۳۸۴) *سعدی در آینه ادب معاصر* (تحلیلی تاریخی از یک بی‌مهری فرهنگی و ادبی) *سعدی‌شناسی* (مجموعه مقالات) دفتر هشتم. ۴۳-۶۳.
۱۴. علی احمدی، امید (۱۳۸۲) *گونه‌شناسی نقش‌های سیاسی در گلستان سعدی*، *فصلنامه فرهنگ کرمان*. شماره ۴.

۱۵. ——— (۱۳۸۲) آموزش و پرورش آرمانی در گلستان سعدی. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان. شماره ۱۱.
۱۶. فروغی، محمدعلی (۱۳۸۲) تصحیح قصاید سعدی، تهران: ققنوس.
۱۷. کسای، نورالله (۱۳۷۸)، «تحصیلات سعدی در بغداد و نظامیه بغداد»، سعدی‌شناسی دفتر روم، شیراز، حافظ شیراز.
۱۸. گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۶۹) ویس و رامین، تهران: جامی.
۱۹. گلستان سعدی (۱۳۷۰) انتشارات پیام محراب.
۲۰. لنسکی، گرهارد و جین لنسکی (۱۳۶۹) سیر جوامع بشری، ناصر توفیقیان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۱. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵) هرمنوتیک کتاب و سنت، تهران: طرح نو.
۲۲. مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۳) هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران: انتشارات باغ آینه.
۲۳. موحد، ضیای (۱۳۷۴) سعدی، تهران: طرح نو.
۲۴. نراقی، احسان (۱۳۷۸) «مفهوم اعتدال و عدالت در اندیشه سعدی (۱۱۹۳ تا ۱۲۹۲ م)» بخارا. شماره ۱۱. صص ۳۱۹-۳۲۵.
۲۵. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۵) سعدی شاعر عشق و زندگی، تهران نشر مرکز.
۲۶. یوسفی، غلامحسین (۱۳۷۷) تصحیح گلستان سعدی، تهران: خوارزمی.